
A three-stage strategic framework for optimizing the cooperation of home microgrids in interconnected electricity and heat networks

Javad Godarzi, Mohammad Tolou Askari, Meysam Amirahmadi, Majid Babaeinik

Department of Electrical Engineering, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

sinsim247@outlook.com
m.asgary28@gmail.com
amirahmadi58@gmail.com
babaeinik78@yahoo.com

Abstract:

This article presents an innovative three-stage strategic framework for the effective cooperation of home microgrids in interconnected electricity and heat networks. The framework aims to increase the competitiveness of microgrids in the energy market. A two-level optimization model is used for optimal management of electrical and thermal energy, which includes demand management strategies to maximize system profit. The high-level model maximizes the profit of the network operator and the low-level model minimizes the cost of electricity supply to microgrids. To solve this model, a multi-stage stochastic programming approach based on particle swarm optimization algorithm is proposed. The simulation results show a significant reduction in market prices by approximately 36%, a 47% increase in responsive load consumption, and a tripling of local generation. These findings indicate the potential of the proposed approach in increasing the profit of all participants and improving energy management in cooperative microgrids.

Keywords: Home energy management, uncertainty, evolutionary algorithm, two-level optimization, electrical and thermal networks.

Date of sending the article: 2025/01/31
Acceptance date of the article: 2025/03/02

Name of the Corresponding: Mohammad Tolou Askari

Corresponding Author's Address: Department of Electrical Engineering, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran

چارچوب استراتژیک سه مرحله‌ای برای بهینه‌سازی همکاری ریزشبکه‌های خانگی در شبکه‌های متصل برق و گرما

نوع مطالعه: پژوهشی

جواد گودرزی^۱، محمد طلوع عسکری^{۱*}، میثم امیراحمدی، مجید بابایی نیک^۱

^۱ گروه مهندسی برق و الکترونیک، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

sinsim247@outlook.com

m.asgary28@gmail.com

amirahmadi58@gmail.com

babaeinik78@yahoo.com

چکیده: این مقاله یک چارچوب استراتژیک سه‌مرحله‌ای نوآورانه برای همکاری مؤثر ریزشبکه‌های خانگی در شبکه‌های متصل برق و گرما ارائه می‌دهد. هدف این چارچوب افزایش رقابت‌پذیری ریزشبکه‌ها در بازار انرژی است. از یک مدل بهینه‌سازی دو سطحی برای مدیریت بهینه انرژی الکتریکی و حرارتی استفاده شده است که شامل استراتژی‌های مدیریت تقاضا برای حداکثرسازی سود سیستم می‌باشد. مدل سطح بالا به حداکثرسازی سود اپراتور شبکه و مدل سطح پایین به کاهش هزینه تأمین برق برای ریزشبکه‌ها پرداخته است. برای حل این مدل، رویکرد برنامه‌ریزی تصادفی چندمرحله‌ای مبتنی بر الگوریتم بهینه‌سازی ازدحام ذرات پیشنهاد شده است. نتایج شبیه‌سازی‌ها نشان‌دهنده کاهش قابل توجه قیمت بازار به میزان تقریبی ۳۶٪، افزایش ۴۷٪ در مصرف بارهای پاسخگو و سه برابر شدن تولید محلی است. این یافته‌ها نشان‌دهنده توانمندی رویکرد پیشنهادی در افزایش سود تمامی شرکت‌کنندگان و بهبود مدیریت انرژی در ریزشبکه‌های همکاری شده است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت انرژی خانگی، عدم قطعیت، الگوریتم تکاملی، بهینه‌سازی دو سطحی، شبکه‌های الکتریکی و حرارتی.

تاریخ ارسال مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۲/۱۲

نام نویسنده‌ی مسئول: دکتر محمد طلوع عسکری

نشانی نویسنده‌ی مسئول: گروه مهندسی برق و الکترونیک، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

۱- مقدمه

در دنیای امروز، با رشد روزافزون تقاضا برای انرژی و چالش‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی، مدیریت بهینه منابع انرژی در مقیاس‌های کوچک و محلی اهمیت زیادی یافته است. ریز شبکه‌های خانگی به عنوان واحدهای خودمختار انرژی، قادرند از منابع انرژی تجدیدپذیر و ذخیره سازی انرژی استفاده کنند تا تأمین انرژی پایدارتر و اقتصادی‌تری را فراهم آورند. با این حال، یکی از چالش‌های اصلی در مدیریت ریز شبکه‌های خانگی، عدم قطعیت‌های ناشی از تولید منابع تجدیدپذیر و تقاضای بار متغیر است که می‌تواند بر بهره‌وری و کارایی سیستم‌های انرژی تأثیر بگذارد. همچنین، یکی از رویکردهای نوین در بهبود عملکرد ریز شبکه‌ها، همکاری آنها در قالب ائتلاف‌هایی است که می‌توانند در شبکه‌های برق و گرمای متصل به یکدیگر مشارکت کنند. این همکاری‌ها می‌توانند به افزایش رقابت پذیری ریز شبکه‌ها در بازار انرژی و بهره‌برداری بهتر از منابع محلی منجر شوند. در این راستا، استفاده از الگوریتم‌های پیشرفته و مدل‌های بهینه سازی می‌تواند به حل مسائل پیچیده ناشی از مدیریت همزمان انرژی الکتریکی و حرارتی کمک کند. این مقاله به معرفی یک چارچوب استراتژیک سه مرحله‌ای می‌پردازد که به ریز شبکه‌های خانگی این امکان را می‌دهد تا به طور مؤثر در شبکه‌های متصل برق و گرما هم‌کاری کنند. این چارچوب از یک مدل بهینه سازی دو سطحی بهره می‌برد که به مدیریت بهینه انرژی‌های الکتریکی و حرارتی پرداخته و با استفاده از استراتژی‌های مدیریت تقاضا، به حداکثر سازی سود سیستم کمک می‌کند. همچنین، به منظور مقابله با عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌های موجود در بهینه سازی، از الگوریتم تکاملی مبتنی بر برنامه ریزی تصادفی چندمرحله‌ای استفاده شده است.

۱-۱- پیشینه پژوهش

مدیریت انرژی خانگی و ریز شبکه‌ها به دلیل چالش‌های مرتبط با منابع انرژی تجدیدپذیر، عدم قطعیت‌های بار و پیچیدگی‌های توزیع، توجه بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. در این راستا، چندین مدل بهینه سازی و استراتژی‌های جدید برای بهبود عملکرد این سیستم‌ها پیشنهاد شده است.

در (Wei et al. (2022)، یک مدل بهینه سازی برنامه ریزی دو مرحله‌ای برای سیستم‌های مدیریت انرژی خانگی هوشمند (IHMS) پیشنهاد شده که هدف آن تعادل بین ترجیحات کاربران، حریم خصوصی و هزینه‌های سیستم توزیع است، با در نظر گرفتن عدم قطعیت تولید باد و نشان دادن کارایی آن از طریق شبیه سازی با MATLAB. در (Wang et al. (2019)، الگوریتم بهینه‌سازی مبتنی بر نمونه‌برداری ترتیبی برای مدیریت تعاملات بین یک شبکه مرکزی و چندین ریز شبکه معرفی شده که به مدیریت عدم قطعیت تولید تجدیدپذیر و انرژی متنوع از طریق یک مدل برنامه ریزی تصادفی دو

مرحله‌ای پرداخته و نتایج نشان‌دهنده مقیاس پذیری و کاهش هزینه‌های سیستم است. در (Home-Ortiz et al. (2022)، یک مدل برنامه‌ریزی خطی عدد صحیح مبتنی بر سناریوهای تصادفی برای افزایش تاب‌آوری سیستم‌های توزیع برق از طریق پیکربندی مجدد شبکه، تولید قابل کنترل، واحدهای اضطراری سیار و پاسخ به تقاضا پیشنهاد شده است که نتایج عددی اثربخشی آن را در کاهش قطع بار و محدودیت‌ها نشان می‌دهند.

در (Arkhangelski et al. (2021)، سیستم مدیریت انرژی ریز شبکه‌های شهری با استفاده از کنترل پیش‌بینی با جریان قدرت بهینه روز بعد، یادگیری عمیق و برنامه‌ریزی غیرخطی عدد صحیح پیشنهاد شده است که کاهش قابل توجهی در قیمت برق و افزایش تاب‌آوری از طریق ذخیره‌سازی مبتنی بر جامعه و تولید تجدیدپذیر را نشان می‌دهد. در (Xu & Chung (2016)، ارزیابی نقش خودروهای برقی (EVs) در بهبود قابلیت اطمینان سیستم‌های توزیع از طریق فناوری‌های خودرو به خانه و خودرو به شبکه در حالت‌های ایزوله و متصل به شبکه انجام شده و نتایج بهبودهای قابل توجهی در قابلیت اطمینان را نشان می‌دهد. در (Ramírez-López et al. (2024)، یک مدل بهینه‌سازی دو سطحی برای ارزیابی خدمات انعطاف پذیری قابل توجهی که مصرف‌کنندگان انرژی خانگی با استفاده از سیستم‌های مدیریت انرژی خانگی می‌توانند به شرکت‌های توزیع ارائه دهند، معرفی شده که نتایج نشان‌دهنده ظرفیت‌های انعطاف‌پذیری قابل توجه از ۷± تا ۲۹± کیلووات در هر بازه زمانی است.

در (Lee et al. (2014)، یک طرح مدیریت تقاضای جدید به نام کنترل تقاضای محلی (LDC) برای ادغام کارآمد انرژی تجدیدپذیر و خودروهای برقی در شبکه‌های محلی معرفی شده است که نسبت به کنترل تقاضای پویا سنتی، پایداری بیشتری را نشان می‌دهد. در (Christakou et al. (2014)، مکانیزم کنترل تقاضای پاسخگو غیرمتمرکز و با هزینه کم به نام اعلان ترافیک شبکه صریح (GECN) معرفی شده است که خدمات کمکی برای کنترل ولتاژ شبکه در زمان واقعی از طریق مدیریت لوازم خانگی کسب‌وکار با کمترین تأثیر بر کاربران نهایی ارائه می‌دهد. در (Nafisi et al. (2016)، یک روش بهینه‌سازی دو مرحله‌ای برای کاهش تلفات انرژی در ریز شبکه‌ها با سطوح مختلفی از خودروهای برقی هیبریدی قابل شارژ پیشنهاد شده است که بر نیاز به استراتژی‌های هوشمند شارژ برای کاهش تلفات شبکه تأکید می‌کند.

در (Melatti et al. (2022)، یک استراتژی کنترل دو لایه برای باتری‌های خانگی پیشنهاد شده است که به وجود کارایی مدیریت محدودیت‌های ایستگاه‌های توزیع را بدون نیاز به کنترل مستقیم توسط تأمین‌کنندگان خدمات فراهم می‌کند و ۸۲٪ از کارایی رویکرد مرکزی بهینه نظری را بر اساس شبیه‌سازی‌ها با داده‌های ۶۲ خانواده دانمارکی به دست می‌آورد. در (Alrumayh et al. (2021)، چارچوبی برای ادغام سیستم‌های ذخیره سازی انرژی در شبکه‌های توزیع

استفاده از الگوریتم بهینه‌سازی جبرجیرک پیشنهاد شده است که پیکربندی‌های بیوگاز/دیزل را به عنوان راه‌حل‌های مقرون به صرفه‌تر برای انرژی پایدار در جوامع دورافتاده نشان می‌دهد.

۲-۱- انگیزه تحقیق

با توجه به تغییرات سریع در فناوری‌های انرژی و چالش‌های جهانی در زمینه تغییرات اقلیمی و کمبود منابع انرژی، استفاده بهینه از منابع انرژی و افزایش بهره‌وری سیستم‌های انرژی محلی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ریزشبکه‌های خانگی به عنوان واحدهای خودمختار و انعطاف‌پذیر، پتانسیل بالایی برای مدیریت بهینه مصرف انرژی و کاهش هزینه‌ها دارند. با این حال، ریزشبکه‌های خانگی با چالش‌هایی نظیر عدم قطعیت‌های تولید انرژی تجدیدپذیر، نوسانات تقاضای انرژی و پیچیدگی‌های مدیریت همزمان انرژی الکتریکی و حرارتی روبرو هستند. یکی از رویکردهای نوین برای افزایش کارایی و رقابت‌پذیری ریزشبکه‌های خانگی، همکاری این ریزشبکه‌ها در قالب ائتلاف‌ها در شبکه‌های متصل برق و حرارت است. این همکاری‌ها می‌تواند به بهبود قابلیت اطمینان، کاهش هزینه‌ها و افزایش سود در بازار انرژی کمک کند. با این حال، نیاز به مدل‌های بهینه‌سازی پیچیده برای مدیریت این شبکه‌های مشترک و در نظر گرفتن عدم قطعیت‌ها و پیچیدگی‌های عملیاتی موجود، به یک چالش اساسی تبدیل شده است. هدف این تحقیق، ارائه یک چارچوب استراتژیک برای مدیریت بهینه ریزشبکه‌های خانگی است که از مدل‌های بهینه‌سازی دو سطحی و استراتژی‌های مدیریت تقاضا بهره می‌برد. این چارچوب به ریزشبکه‌ها این امکان را می‌دهد که با همکاری یکدیگر در شبکه‌های برق و گرما، بهره‌وری بیشتری را از منابع محلی بدست آورده و به بهبود عملکرد اقتصادی و محیطی سیستم‌ها کمک کنند. انگیزه اصلی این تحقیق، یافتن راه‌حلی برای حل چالش‌های موجود در مدیریت منابع انرژی خانگی و افزایش رقابت‌پذیری این سیستم‌ها در بازار انرژی است.

۳-۱- شکاف مطالعاتی

با وجود پیشرفت‌های قابل توجه در زمینه مدیریت انرژی ریزشبکه‌ها و استفاده از مدل‌های بهینه‌سازی برای حل مسائل پیچیده انرژی، هنوز چندین شکاف مهم در تحقیقات موجود وجود دارد که نیاز به توجه بیشتری دارند. یکی از این شکاف‌ها، محدودیت‌های موجود در مدل‌های بهینه‌سازی برای مدیریت همزمان انرژی الکتریکی و حرارتی در ریزشبکه‌های خانگی است. بیشتر تحقیقات موجود، به‌طور جداگانه به مدیریت انرژی الکتریکی یا حرارتی پرداخته‌اند و کمتر به هماهنگی این دو نوع انرژی در یک مدل جامع توجه کرده‌اند. علاوه بر این، بسیاری از مدل‌ها تنها به عدم قطعیت‌های بار یا تولید انرژی تجدیدپذیر پرداخته‌اند و تأثیرات متقابل بین این دو عامل در محیط‌های پیچیده واقعی را در نظر نگرفته‌اند. در نتیجه، بیشتر مدل‌ها فاقد انعطاف‌پذیری کافی برای مواجهه با شرایط پویا و عدم

پیشنهاد شده است که هزینه‌های عملیاتی را کاهش داده و تأثیر سیستم‌های مدیریت انرژی خانگی هماهنگ نشده را کاهش می‌دهد. در **Chen & Chang (2023)**، یک سیستم مدیریت انرژی خانگی مبتنی بر بهینه‌سازی الگوریتم کلونی زنبورهای مصنوعی (AABC) برای کاهش هزینه‌های مصرف برق در ریزشبکه‌های مسکونی با سیستم‌های فتوولتائیک و ذخیره‌سازی باتری معرفی شده است که عملکرد بهتری نسبت به استراتژی‌های مبتنی بر قواعد و کاهش مصرف نشان می‌دهد.

در **Mondal et al. (2017)**، مدل بازی استکلبرگ با رهبران و پیروان متعددی برای مطالعه سیستم‌های مدیریت انرژی خانگی توزیع شده در ائتلاف‌هایی از ریزشبکه‌ها و مشتریان استفاده شده که نشان می‌دهد طرح پیشنهادی می‌تواند سود شبکه را تا ۵۵٪ و مصرف انرژی مشتریان را تا ۳۰.۷۹٪ افزایش دهد. در **Xu et al. (2023)**، استراتژی مدیریت انرژی خانگی هوشمند با استفاده از یادگیری تقویتی عمیق پیشنهاد شده است که تجارت انرژی محلی بین مشتریان مسکونی را بهبود می‌بخشد و منافع اقتصادی و کارایی تصمیم‌گیری را از طریق فرآیند تصمیم‌گیری مارکوف و شبیه‌سازی‌های چندعاملی نشان می‌دهد. در **Mansouri et al. (2022)**، چارچوب برنامه‌ریزی مختلط عدد صحیح دو مرحله‌ای برای زمان‌بندی ریزشبکه‌ها و پیکربندی مجدد فیدرهای توزیع پیشنهاد شده است که هدف آن کاهش هزینه‌های عملیاتی و انحرافات از برنامه‌های ریزشبکه تحت عدم قطعیت‌های تقاضای بار، قیمت بازار و تولید تجدیدپذیر است.

در **Kang et al. (2024)**، الگوریتم بهینه‌سازی توزیع شده و مقاوم برای تحویل اقتصادی توان در خانه‌های هوشمند در ریزشبکه‌ها پیشنهاد شده است که محدودیت‌های شبکه و حملات امتناع از خدمت (DoS) را در نظر می‌گیرد و شبیه‌سازی‌ها اثربخشی آن را حتی در شرایط ارتباطات نامطلوب نشان می‌دهد. در **Annamalai et al. (2024)**، تکنیک ترکیبی جدیدی برای کاهش هزینه‌های عملیاتی در ریزشبکه‌های شبکه‌شده معرفی شده است که شبکه‌های کانولوشن گرافی بهبود یافته برای پیش‌بینی تقاضا و الگوریتم بهینه‌سازی شکار ماهی پیرانا (NEGCN-PFOA) برای بهینه‌سازی هزینه‌ها را ترکیب می‌کند. در **Khosravi et al. (2022)**، مدل بهینه‌سازی دو سطحی مبتنی بر برنامه‌ریزی خطی عدد صحیح برای بهینه‌سازی زمان‌بندی در شبکه‌های توزیع مدرن با هماهنگی برنامه‌های ریزشبکه و پیکربندی مجدد فیدر توزیع پیشنهاد شده است که منجر به کاهش ۲۷.۰۵٪ در هزینه‌های عملیاتی و بهبود راحتی مصرف‌کنندگان می‌شود.

در **Nowbandegani et al. (2024)**، برنامه بهینه‌سازی جامعی برای افزایش کارایی اقتصادی و تاب‌آوری شبکه توزیع با ادغام پاسخ به تقاضا، سیستم‌های ذخیره‌سازی انرژی خانگی، قیمت‌گذاری در زمان واقعی و پیکربندی خودترمیم در مدیریت انرژی هوشمند خانه‌ها پیشنهاد شده است. در **Araoye et al. (2024)**، مدل اقتصادی فنی جدیدی برای بهینه‌سازی اندازه ریزشبکه‌های هیبریدی مستقل با

که می‌تواند به بهر بود بهره‌وری و کاهش هزینه‌ها در شبکه‌های متصل کمک کند. برخلاف بسیاری از تحقیقات که به مطالعه ریزشبکه‌ها به‌طور جداگانه پرداخته‌اند، این تحقیق نحوه تعامل و همکاری ریز شبکه‌ها برای بهر بود عملکرد اقتصادی و محیطی را شبیه‌سازی می‌کند.

۴. کاهش پیچیدگی محاسباتی در مدل‌های بهینه‌سازی: این تحقیق از الگوریتم تکاملی مبتنی بر برنامه‌ریزی تصادفی چندمرحله‌ای استفاده می‌کند که می‌تواند مسائل پیچیده بهینه‌سازی را با کاهش هزینه‌های محاسباتی حل کند. این نوآوری به مدل قابلیت‌های محاسباتی بهتری می‌دهد و امکان استفاده از آن را در مقیاس‌های بزرگ و در شرایط عملیاتی واقعی فراهم می‌آورد.

در مجموع، این تحقیق با معرفی یک مدل بهینه‌سازی جامع و پویا که قادر به مدیریت انرژی الکتریکی و حرارتی در ریز شبکه‌های خانگی است و همچنین توجه به مدیریت عدم قطعیت‌ها و همکاری ریز شبکه‌ها، گامی مهم در راستای بهر بود بهره‌وری انرژی و کاهش هزینه‌ها در سیستم‌های انرژی خانگی و متصل به شبکه‌های بزرگ‌تر برمی‌دارد.

۲- رویکرد پیشنهادی

در این تحقیق، یک رویکرد استراتژیک و جامع برای مدیریت بهینه انرژی در ریز شبکه‌های خانگی با هدف بهبود بهره‌وری انرژی و کاهش هزینه‌ها معرفی می‌شود. این رویکرد از یک مدل بهینه‌سازی دو سطحی بهره می‌برد که همزمان انرژی الکتریکی و حرارتی را مدیریت می‌کند و تعاملات پیچیده میان ریز شبکه‌ها در شبکه‌های متصل برق و حرارت را در نظر می‌گیرد. رویکرد پیشنهادی شامل مراحل زیر است:

۱. مدل‌سازی دو سطحی: در این رویکرد، یک مدل بهینه‌سازی دو سطحی طراحی می‌شود که در سطح اول، تمرکز بر بهینه‌سازی سود اپراتور شبکه است، به‌طوری که منابع انرژی تجدیدپذیر و منابع تولید همزمان گرما و برق (CHP) در نظر گرفته می‌شود. در سطح دوم، مدل بهینه‌سازی هزینه‌های تأمین انرژی برای ریز شبکه‌های خانگی را هدف قرار می‌دهد، به‌طوری که تقاضای انرژی در این ریز شبکه‌ها به‌صورت بهینه مدیریت شود.

۲. مدیریت تقاضای انرژی با استراتژی‌های نوین: برای مقابله با عدم قطعیت‌های موجود در تولید انرژی تجدیدپذیر و تقاضای متغیر، یک استراتژی مدیریت تقاضا به‌طور ویژه طراحی شده است. این استراتژی مبتنی بر برنامه‌ریزی تصادفی چندمرحله‌ای است که می‌تواند نوسانات تقاضا و تولید را در طول زمان پیش‌بینی و به‌طور مؤثری مدیریت کند. این روش به ریز شبکه‌ها این امکان را می‌دهد که به‌طور دقیق‌تر و کارآمدتری منابع خود را مدیریت کرده و از افزایش هزینه‌ها و نوسانات قیمت انرژی جلوگیری کنند.

قطعیت‌های واقعی هستند که می‌تواند منجر به عملکرد ضعیف در شرایط عملیاتی مختلف شود. همچنین، اغلب تحقیقات به بررسی ریز شبکه‌ها در شرایط انفرادی پرداخته‌اند و درک کافی از چگونگی همکاری ریز شبکه‌ها در قالب ائتلاف‌ها و تعاملات پیچیده میان آن‌ها در شبکه‌های متصل برق و حرارت وجود ندارد. این خلا باعث می‌شود که بسیاری از مدل‌ها نتوانند به‌طور کامل پتانسیل همکاری ریز شبکه‌ها را برای بهبود بهره‌وری انرژی و کاهش هزینه‌ها شبیه‌سازی و تحلیل کنند. در نهایت، بسیاری از روش‌های بهینه‌سازی پیشنهادی در مطالعات قبلی پیچیدگی‌های محاسباتی زیادی دارند و قادر به مدیریت عدم قطعیت‌ها و تصمیم‌گیری‌های پیچیده در مقیاس بزرگ نیستند. به این ترتیب، مدل‌هایی که قادر به حل مسائل پیچیده با کمترین هزینه محاسباتی و در شرایط عدم قطعیت بالا باشند، هنوز در مطالعات موجود به‌طور کافی توسعه نیافته‌اند. این تحقیق سعی دارد تا شکاف‌های ذکر شده را پر کرده و مدل بهینه‌سازی دو سطحی برای مدیریت همزمان انرژی الکتریکی و حرارتی در ریز شبکه‌های خانگی معرفی کند که با در نظر گرفتن عدم قطعیت‌ها و تعاملات پیچیده میان ریز شبکه‌ها، بتواند به بهبود عملکرد اقتصادی و تاب‌آوری این سیستم‌ها کمک کند.

۴-۱- نوآوری تحقیق

نوآوری اصلی این تحقیق در ارائه یک چارچوب استراتژیک نوین برای مدیریت بهینه انرژی در ریز شبکه‌های خانگی است که از مدل بهینه‌سازی دو سطحی برای هماهنگی و مدیریت همزمان انرژی الکتریکی و حرارتی بهره می‌برد. این تحقیق به‌طور خاص به چالش‌هایی می‌پردازد که در بیشتر تحقیقات قبلی نادیده گرفته شده‌اند، از جمله:

۱. مدیریت همزمان انرژی الکتریکی و حرارتی: بیشتر مدل‌ها به‌طور جداگانه به مدیریت هر یک از این دو نوع انرژی پرداخته‌اند، در حالی که این تحقیق یک مدل جامع و هماهنگ برای مدیریت هر دو نوع انرژی ارائه می‌دهد، که این امر باعث افزایش کارایی و بهینه‌سازی مصرف انرژی در ریز شبکه‌های خانگی می‌شود.

۲. مدیریت عدم قطعیت‌ها در سیستم‌های متصل: برخلاف بسیاری از تحقیقات که تنها به عدم قطعیت‌های بار یا تولید انرژی تجدیدپذیر پرداخته‌اند، این تحقیق به مدیریت عدم قطعیت‌ها در شبکه‌های متصل برق و حرارت توجه می‌کند. مدل پیشنهادی با استفاده از یک استراتژی مدیریت تقاضا مبتنی بر برنامه‌ریزی تصادفی چندمرحله‌ای، قادر است عدم قطعیت‌های مربوط به تولید تجدیدپذیر و تقاضای بار را به‌طور مؤثر مدیریت کند.

۳. همکاری ریز شبکه‌ها در قالب ائتلاف‌ها: این تحقیق بر مدل‌های همکاری ریز شبکه‌ها در قالب ائتلاف‌ها تأکید دارد،

۳. ایجاد ائتلاف‌های ریزشبه‌ها: به منظور بهبود بهره‌وری و افزایش رقابت‌پذیری در بازار انرژی، ریزشبه‌های خانگی به صورت ائتلافی عمل می‌کنند. در این رویکرد، ائتلاف‌ها به هم‌کاری در تأمین انرژی و کاهش هزینه‌های عملیاتی کمک می‌کنند و در عین حال انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری سیستم‌های انرژی را افزایش می‌دهند.

۴. حل مسئله بهینه‌سازی با استفاده از الگوریتم‌های تکاملی: برای حل مسائل پیچیده بهینه‌سازی ناشی از عدم قطعیت‌ها و تعاملات متعدد میان ریزشبه‌ها، از الگوریتم تکاملی برنامهریزی تصادفی چندمرحله‌ای (MSSP-PSO) استفاده می‌شود. این الگوریتم قادر است به‌طور مؤثر و با هزینه محاسباتی پایین، مسائل بهینه‌سازی را در مقیاس بزرگ حل کند و نتایج دقیقی در زمینه کاهش هزینه‌ها و افزایش بهره‌وری ارائه دهد.

۵. ارزیابی عملکرد مدل پیشنهادی: برای ارزیابی عملکرد رویکرد پیشنهادی، شبیه‌سازی‌های جامع در شرایط مختلف انجام می‌شود. نتایج شبیه‌سازی نشان می‌دهند که رویکرد پیشنهادی می‌تواند به‌طور مؤثری هزینه‌های انرژی را کاهش دهد، مصرف بارهای پاسخگو را افزایش دهد و تولید محلی انرژی را به‌طور قابل توجهی ارتقا دهد.

در مجموع، رویکرد پیشنهادی این تحقیق، به‌عنوان یک راه‌حل جامع و کارآمد، می‌تواند به بهینه‌سازی مدیریت انرژی در ریزشبه‌های خانگی کمک کرده و با کاهش هزینه‌ها و بهبود تاب‌آوری سیستم‌های انرژی، عملکرد اقتصادی و محیطی این سیستم‌ها را بهبود بخشد.

این بخش به معرفی برنامهریزی تصادفی چندمرحله‌ای (MSSP) همراه با الگوریتم بهینه‌سازی تجمعی ذرات (PSO) برای مدیریت انرژی در ریزشبه‌های خانگی متصل (H-MGs) پرداخته است. الگوریتم MSSP-PSO به‌طور خاص برای بهینه‌سازی عملیات ریزشبه‌های خانگی طراحی شده است، به‌طوری که تولید، مصرف و ذخیره‌سازی انرژی را در پاسخ به نوسانات تقاضا و تولید تجدیدپذیر مدیریت می‌کند.

شکل ۱ نمای کلی از ریزشبه‌های خانگی متصل به ساختمان‌های سنتی (CB) مختلف را نشان می‌دهد. این سیستم به‌عنوان یک شبکه فعال از ریزشبه‌های خانگی متعدد طراحی شده است که هر کدام مجهز به منابع انرژی توزیع شده قابل کنترل و غیرقابل کنترل (DERs)، واحدهای ذخیره‌سازی و بارهای مصرفی مسکونی (RLDs) مربوطه هستند. منابع انرژی غیرقابل کنترل مانند سیستم‌های بادی و فتوولتائیک خورشیدی به منابع انرژی تجدیدپذیر وابسته هستند، اما به دلیل تغییرپذیری و غیرقابل پیش‌بینی بودن این منابع، قابلیت کنترل ندارند. در این تنظیم، هر ریزشبه خانگی که یک تجمیع‌کننده دارد، می‌تواند کمبود برق خود را از سایر ریزشبه‌ها تأمین کند. ساختمان‌های سنتی انرژی را از چندین ریزشبه یا شبکه بالادستی خریداری می‌کنند و مصرف انرژی آنها قابل کنترل نیست. هنگامی که یک ریزشبه خانگی برق مازاد تولید می‌کند، می‌تواند این انرژی

اضافی را به سایر ریزشبه‌ها در شبکه، شبکه بالادستی یا ساختمان‌های سنتی متصل بفروشد. برق براساس شرایط مناقصه توزیع می‌شود. به‌عکس، اگر یک ریزشبه خانگی با کمبود برق روبه‌رو شود و نتواند تقاضای خود را تأمین کند، باید انرژی را از سایر ریزشبه‌ها یا شبکه بالادستی وارد کند یا بارهای خود را تنظیم نماید. یک مرکز کنترل که در شکل ۱ نشان داده شده است، عملیات و مدیریت ریزشبه خانگی مربوطه را نظارت می‌کند. این مرکز استراتژی‌هایی برای هماهنگ‌سازی عملکرد ریزشبه‌های خانگی متصل در یک سیستم توزیع چند ریزشبه خانگی طراحی می‌کند. مرکز کنترل به‌طور مستقل عمل می‌کند و هدف آن حداکثرسازی سود برای تمام ریزشبه‌های خانگی است. در حالی که ائتلاف‌های ممکن میان آنها را در نظر می‌گیرد. شکل ۲ فلوچارت الگوریتم پیشنهادی را نمایش می‌دهد. مدل، عدم قطعیت‌هایی مانند تقاضای بار، تولید انرژی تجدیدپذیر و قیمت پاکسازی بازار (MCP) را در نظر می‌گیرد. برای مدیریت این عدم قطعیت‌ها، از روش آمون آریه متعادل تاگوجی (TOAT) استفاده می‌شود که دقت راه‌حل را با کارایی محاسباتی متعادل می‌کند. روش TOAT حداقل سناریوهای مورد نیاز را انتخاب می‌کند در حالی که ویژگی‌های آماری کل مجموعه داده را حفظ می‌کند. جزئیات بیشتر در مورد چارچوب تصادفی مطالعه در منابع [۲۶] موجود است. همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، ساختار شامل واحدهای TOAT، PSO-1، DSM-PSO، PSO-2 و MCP است. در حالی که واحدهای TOAT و MCP به‌طور کامل در منبع [۲۶] توضیح داده شده‌اند، تمرکز در اینجا بر روی واحدهای PSO-1، DSM-PSO و PSO-2 است. ابتدا، الگوریتم PSO به ظرفیت اسمی و محدودیت‌های عملیاتی DERهای موجود نیاز دارد. سپس داده‌های پیش‌بینی شده، شامل تابش خورشیدی، سرعت باد، تقاضای الکتریکی/حرارتی و قیمت برق به واحد TOAT ارسال می‌شود. پس از آن، واحد PSO-1 برای تعیین مقدار MCP-1 اجرا می‌شود. پس از تعیین MCP-1، مدیریت تقاضای انرژی برای بهبود کارایی انرژی و کاهش تقاضای اوج، براساس تابع هدف واحد PSO-2 انجام می‌شود. پس از تنظیم منحنی بار و کاهش MCP از برنامه RLD، MCP-2، محاسبه و به اپراتور بازار گزارش می‌شود. در شکل ۲، خطوط مشکی یکپارچه روند اجرای واحد PSO-1 را نشان می‌دهد، در حالی که خطوط خاکستری چین نشان‌دهنده اجرای واحد PSO-2 برای محاسبه MCP-2 است.

تجمعی ذرات دنبال می‌شوند که شامل حداکثرسازی سود از عملیات ریزشبه‌خانگی به‌صورت مستقل یا در تعامل با سایر ریزشبه‌ها در قالب ائتلاف‌های مختلف، ایجاد تعادل الکتریکی و حرارتی در سیستم، و بهبود وضعیت شارژ و احدهای ذخیره‌سازی انرژی و ذخیره‌سازی انرژی حرارتی می‌شود. رویکرد پیشنهادی تلاش می‌کند تا ضمن ایجاد تعادل در تولید و مصرف، بهبود وضعیت ذخیره‌سازی انرژی و مدیریت هزینه‌ها، سودآوری کل سیستم را به حداکثر برساند.

۲-۲- واحد PSO-DSM

ورودی‌های مدل شامل تقاضای توان الکتریکی در زمان مشخص و قیمت پاکسازی بازار برای توان الکتریکی در همان زمان است. این داده‌ها اطلاعات پایه‌ای برای مدیریت تقاضای انرژی و بهینه‌سازی مصرف را فراهم می‌کنند.

متغیرهای تصمیم‌گیری بخش شامل توان الکتریکی مصرفی افزایش‌یافته و کاهش‌یافته توسط بارهای قابل‌انعطاف‌پذیری است. این متغیرها به عنوان ابزارهایی برای کنترل و تنظیم مصرف انرژی در واکنش به تغییرات قیمت بازار عمل می‌کنند.

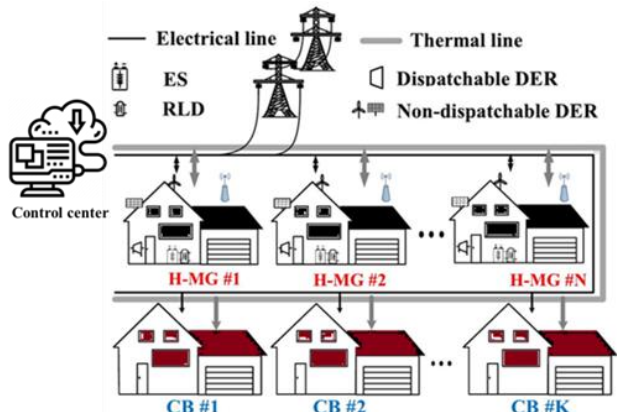
هدف اصلی این بخش، هموارسازی منحنی تقاضای انرژی است. این کار با انتقال مصرف انرژی از دوره‌های اوج (با قیمت پاکسازی بازار بالا) به دوره‌های کم‌باری (با قیمت پایین) انجام می‌شود. این رویکرد که معمولاً در پاسخ به تغییرات قیمت بازار اجرا می‌شود، می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های انرژی و افزایش بهره‌وری شبکه شود.

۲-۳- واحد PSO-2

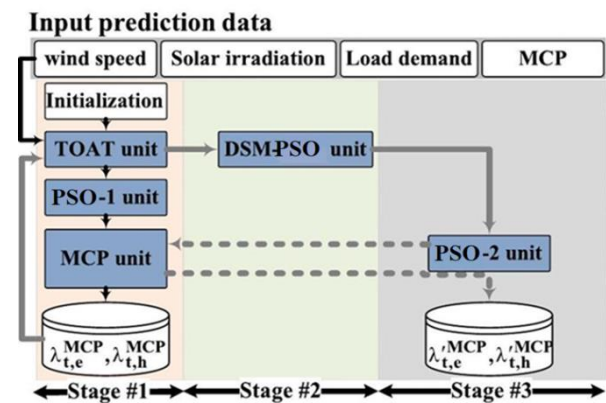
ورودی‌های مدل شامل توان حرارتی پیش‌بینی‌شده تولید شده توسط سیستم‌های حرارتی خورشیدی، توان الکتریکی پیش‌بینی‌شده تولید شده توسط توربین‌های بادی، تقاضای پیش‌بینی‌شده توان الکتریکی و حرارتی، بارهای قابل‌انعطاف‌پذیری و کاهش‌یافته، و قیمت‌های پاکسازی بازار برای توان الکتریکی و حرارتی است. این ورودی‌ها داده‌های کلیدی برای بهینه‌سازی مصرف و تولید انرژی در ریزشبه‌های خانگی را فراهم می‌کنند.

متغیرهای تصمیم‌گیری شامل توان الکتریکی و حرارتی تولیدی، نرخ تولید ترکیبی حرارت و برق، نرخ مصرف سوخت، تغییرات بارهای قابل‌انعطاف‌پذیری در دوره‌های زمانی مختلف، قیمت‌های نهایی بازار برای توان الکتریکی و حرارتی، و توان تبدیلی بین ریزشبه‌های مختلف و شبکه بالادستی است. این متغیرها ساختار دینامیک و انعطاف‌پذیری سیستم را به‌خوبی منعکس می‌کنند.

هدف این مدل، بهینه‌سازی مشارکت مصرف‌کنندگان در برنامه بارهای قابل‌انعطاف‌پذیری و تولید توان از منابع مختلف برای حداکثرسازی سود است. در این راستا، پروفایل تقاضای بار با استفاده از قیمت‌های پاکسازی بازار برای توان الکتریکی و حرارتی بهینه‌سازی می‌شود. واحد PSO-2 به‌طور خاص مسئولیت توزیع مجدد بارهای منتقل‌شده از دوره‌های اوج



شکل (۱): ساختار پیشنهادی توزیع و شبکه‌های خانگی چندانگانه (Goodarzi, et al. 2024)



شکل (۲): الگوریتم MSSP-PSO پیشنهادی

۲-۱- واحد PSO-1

ورودی‌های مدل شامل توان حرارتی پیش‌بینی‌شده تولید شده توسط سیستم‌های حرارتی خورشیدی، توان الکتریکی پیش‌بینی‌شده تولید شده توسط توربین‌های بادی، تقاضای پیش‌بینی‌شده توان الکتریکی و حرارتی، قیمت پاکسازی بازار پیش‌بینی‌شده برای توان الکتریکی و حرارتی است. این داده‌ها اطلاعات موردنیاز برای مدیریت بهینه انرژی در ریزشبه‌های خانگی متصل را فراهم می‌کنند و نقش کلیدی در تصمیم‌گیری‌های سیستم دارند.

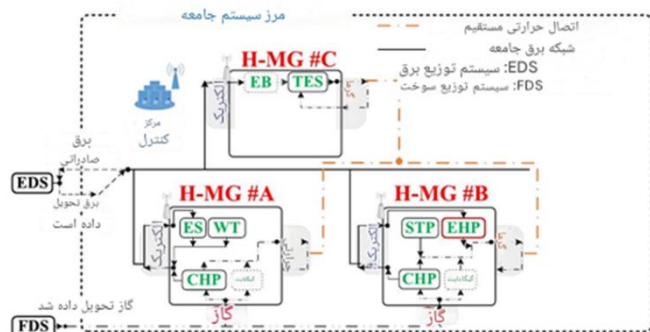
متغیرهای تصمیم‌گیری شامل توان الکتریکی و حرارتی تولیدشده، نرخ شارژ و دشارژ واحدهای ذخیره‌سازی انرژی و ذخیره‌سازی انرژی حرارتی، توان تبدیلی بار ریزشبه‌های خانگی دی‌گر و شبکه بالادستی، پیشنهادها برای خرید و فروش منابع انرژی توزیع‌شده، ریزشبه‌های خانگی و مصرف‌کنندگان، و متغیرهای باینری است. علاوه بر این، قیمت‌های پاکسازی بازار برای توان الکتریکی و حرارتی نیز به عنوان متغیرهای کلیدی در نظر گرفته شده‌اند که به تخصیص بهینه منابع کمک می‌کنند.

اهداف مدل شامل بهینه‌سازی تولید توان الکتریکی و حرارتی به‌منظور حداکثرسازی سود است. این اهداف از طریق الگوریتم‌های بهینه‌سازی

مورد تخصیص منابع و قیمت‌گذاری انرژی انجام می‌شود تا سود کل سیستم به حداکثر برسد. در سطح دوم، این مدل به بررسی هزینه تأمین برق برای ریز شبکه‌ها پرداخته و هدف آن کاهش هزینه‌های تأمین انرژی با بهینه‌سازی مصرف انرژی در ریز شبکه‌ها است. در این سطح، تصمیمات مربوط به انتخاب منابع تأمین انرژی و میزان خرید برق از شبکه بالادستی گرفته می‌شود. در سطح سوم، مدل به مدیریت تقاضای انرژی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا با استفاده از استراتژی‌های مختلف مانند برنامه‌ریزی تصادفی چند مرحله‌ای، نوسانات تقاضا و تولید انرژی را به‌طور مؤثری کنترل کند. این رویکرد سه‌سطحی به‌طور کامل شرایط پیچیده و عدم قطعیت‌های موجود در سیستم‌های ریز شبکه‌ای را در نظر می‌گیرد و از طریق این سطوح به‌طور همزمان به بهینه‌سازی مصرف انرژی و افزایش سود کمک می‌کند.

برای بررسی عملکرد روش پیشنهادی، این روش در یک مطالعه موردی شامل سیستم چند ریز شبکه خانگی (ریز شبکه‌های H) نشان داده شده در شکل ۳ اعمال شده است. این سیستم شامل سه ریز شبکه خانگی مجزا به نام‌های A، B و C است که هر کدام دارای ترکیبی از منابع انرژی قابل برنامه‌ریزی و غیر قابل برنامه‌ریزی هستند. در این شکل، ریز شبکه‌های H-A و H-B دارای منابعی برای ذخیره انرژی الکتریکی و حرارتی مازاد هستند.

در ابتدای دوره برنامه‌ریزی، هر ریز شبکه تصمیم می‌گیرد که به صورت مستقل یا در اختلاف با دیگر ریز شبکه‌ها عمل کند و قیمت‌های مصرف‌کننده را برای کل دوره تعیین می‌کند. پس از تعیین وضعیت عملیاتی (به صورت فردی، مانند {A, B, C, UG}) یا به صورت ائتلافی مانند {AB, AC, BC, ABC}) و قیمت‌ها، هر ریز شبکه مقدار انرژی مورد نیاز برای خرید یا فروش به منظور تأمین تقاضای مصرف‌کننده برای هر دوره (مانند یک ساعت) در کل افق برنامه‌ریزی (مانند ۲۴ ساعت) را مشخص می‌کند. اطلاعات دقیق در مورد ظرفیت تجهیزات هر ریز شبکه در مرجع [۲۶] موجود است و در اینجا تکرار نمی‌شود. ابتدا، توابع هدف برای این مطالعه موردی تشریح می‌شوند و سپس نتایج اصلی حاصل از به کارگیری الگوریتم پیشنهادی ارائه و مورد بحث قرار می‌گیرند.



شکل (۳): دیاگرام سیستم مورد مطالعه

با قیمت‌های بالا به دوره‌های کم‌باری با قیمت‌های پایین را بر عهده دارد. علاوه بر این، مقدار بار منتقل شده در هر دوره زمانی با تقاضای همان دوره مطابقت داده می‌شود.

واحد PSO-2 همچنین مقدار مشخصی از بارهای قابل انعطاف را برای دوره مشخص بررسی می‌کند که از سایر دوره‌های زمانی جا بجا شده است. در نهایت، مصرف نهایی در هر دوره، با در نظر گرفتن انتقال بارهای ورودی و خروجی و هرگونه کاهش، ممکن است بیشتر یا کمتر از تقاضای اولیه پیش‌بینی شده باشد. لازم به ذکر است که در صورتی که برخی از وسایل نتوانند مصرف خود را به دوره‌های دیگر انتقال دهند، مصرف کلی ممکن است کمتر از تقاضای اولیه پیش‌بینی شده باشد.

در مجموع، الگوریتم MSSP-PSO که شامل معیار نواورانه بارهای قابل انعطاف از طریق واحدهای PSO-1 و PSO-2 است، به عنوان رویکردی قابل اعتماد، کارآمد و مقرون به صرفه برای مدیریت بهینه انرژی در ریز شبکه‌های خانگی به اثبات رسیده است.

۴-۲- واحد MCP

در این بخش، قیمت پاکسازی بازار (MCP) با استفاده از برنامه‌های بهینه حاصل از واحدهای PSO-1 و PSO-2 و پیشنهادهای عرضه و تقاضای شرکت‌کنندگان در بازاری پیش‌نگر و مبتنی بر مزایده دوطرفه تعیین می‌شود. واحد MCP این پیشنهادها و برنامه‌های بهینه را به عنوان پارامترهای ورودی دریافت می‌کند.

در بازار پیش‌نگر، عرضه و تقاضا به صورت جفت‌های قیمت-مقدار تنظیم و بر اساس ترتیب شایستگی مرتب می‌شوند. مقادیر از برنامه‌های بهینه واحدهای PSO-1 و PSO-2 استخراج می‌شوند، در حالی که قیمت‌ها بازتاب‌دهنده پیشنهادهای شرکت‌کنندگان هستند. همان‌طور که انتظار می‌رود، عرضه تجمیعی به شکل یک منحنی پلکانی صعودی و تقاضای تجمیعی به صورت یک منحنی پلکانی نزولی شکل می‌گیرد. نقطه تقاطع این دو منحنی، MCP را مشخص می‌کند. پس از تعیین MCP، واحد MCP مقدار تابع پرداخت را برای هر شرکت‌کننده محاسبه می‌کند. این مقدار نشان‌دهنده سود یا هزینه‌ای است که هر شرکت‌کننده بر اساس پیشنهادها و برنامه‌های اجرایی متحمل می‌شود.

۳- مدل پیشنهادی

در این تحقیق، چارچوب بهینه‌سازی سه‌سطحی به عنوان روشی برای حل مسائل پیچیده همکاری ریز شبکه‌ها در شبکه‌های متصل برق و گرما ارائه شده است. این رویکرد سه سطح دارد که هر کدام وظایف خاصی را در فرایند بهینه‌سازی بر عهده دارند. در سطح اول، مدل به‌طور کلی به بهینه‌سازی سود اپراتور شبکه می‌پردازد و هدف آن حداکثر کردن سود کلی سیستم با توجه به منابع انرژی تجدیدپذیر و تولید همزمان برق و گرما است. در این سطح، تصمیم‌گیری‌هایی در

۱-۳- تابع هدف

توابع هدف در وا حدهای PSO-1 و PSO-2 بر حداکثر سازی سود برای هر ریز شبکه H متمرکز هستند، چه در حالت عملکرد مستقل و چه در حالت مشارکت در ائتلاف. با این حال، تابع هدف واحد PSO-2 شامل سود حاصل از مشارکت مصرف کنندگان در برنامه تغییر بار (RLD) نیز می شود. بخش های بعدی مدل ریاضی مسئله مورد بحث در این مقاله را ارائه می دهد. الگوریتم MSSP-PSO یک مسئله تصمیم گیری چند مرحله ای را با توابع هدف تعریف شده در وا حدهای PSO-1 و PSO-2 حل می کند. این مسئله تحت محدودیت هایی از جمله مسائل پاکسازی بازار مرتبط با معاملات پلّی قرار دارد و هر تابع هدف بر حداکثر سازی سود تمرکز دارد.

برای دستیابی به این اهداف، الگوریتم MSSP-PSO برای افزایش سود مشارکت کنندگان در یک بازار برق آزاد سازی شده طراحی شده است. مدل ریاضی منعکس کننده تعادل در یک بازار مبتنی بر پل است و بر حداکثر سازی سود مورد انتظار ریز شبکه های H در بازار روزانه تمرکز دارد و به سودهای پیش بینی شده از تشکیل ائتلاف با شبکه بالادستی یا دیگر ریز شبکه های H نیز توجه دارد. تقاضا به عنوان یک عامل خارجی در نظر گرفته می شود، در حالی که پیشنهادهای تأمین و تولید انرژی منابع انرژی توزیع شده (DER) به عنوان متغیرهای مدل در نظر گرفته شده اند.

بهینه سازی مدل با هدف حداکثر سازی سود ریز شبکه های H، با در نظر گرفتن ائتلاف های بالقوه و محدودیت های مرتبط با ریز شبکه های H، منابع انرژی توزیع شده، و زمان بندی برنامه های تغییر بار طراحی شده است. این مدل تضمین می کند که بازار انرژی روزانه تحت شرایط مختلف به طور مؤثر پاکسازی شده و چالش های حداکثر سازی سود همه ریز شبکه های H مورد توجه قرار می گیرند.

چارچوب پیشنهادی تشریح می کند که چگونه می توان استراتژی های بهینه برای تمامی مشارکت کنندگان، شامل ریز شبکه های H، منابع انرژی توزیع شده آنها، و شبکه بالادستی را تعیین کرد. این چارچوب به ریز شبکه های H اجازه می دهد سطح مشارکت خود در بازار را انتخاب کرده و قیمت های خرید/فروش را با هدف حداکثر سازی سود مورد انتظار تعیین کنند. مسئله بهینه سازی به صورت ریاضی به شرح زیر فرمول بندی شده است.

در حالت عملکرد مستقل، هر ریز شبکه H تلاش می کند سود خود را از طریق بهینه سازی تولید، مصرف، و تبادل انرژی با شبکه بالادستی یا دیگر ریز شبکه ها به حداکثر برساند. این بهینه سازی شامل مدیریت منابع انرژی توزیع شده قابل مدیریت و غیر قابل مدیریت، همچنین واحدهای ذخیره سازی انرژی و گرما است. تقاضای بار در این سناریو به عنوان یک ورودی خارجی در نظر گرفته می شود و مدل به دنبال بهینه سازی سود خالص تولید شده پس از کسر هزینه های عملیاتی و تأمین انرژی است.

در حالت ائتلاف، ریز شبکه های H می توانند به صورت گروهی فعالیت کرده و منابع خود را برای دستیابی به سود بیشتر ترکیب کنند. ائتلاف ها ممکن است شامل ترکیب دو یا چند ریز شبکه H یا ترکیب با شبکه بالادستی باشد. توابع هدف در این سناریو به دنبال حداکثر سازی سود کلی ائتلاف هستند، با این فرض که سود هر ریز شبکه به صورت عادلانه در میان اعضا تقسیم می شود. این سناریو مزایای بالقوه ای از جمله کاهش هزینه ها از طریق اشتراک منابع و بهبود انعطاف پذیری شبکه فراهم می کند.

علاوه بر این، واحد PSO-2 تأثیر مشارکت مصرف کنندگان در برنامه تغییر بار (RLD) را نیز در نظر می گیرد. این واحد تلاش می کند تا با جابه جایی بار از ساعات اوج مصرف (با قیمت های بالاتر) به ساعات غیر اوج (با قیمت های پایین تر)، سودآوری را افزایش دهد. همچنین، این جابه جایی باید به گونه ای انجام شود که تقاضای کل در هر دوره زمانی به تعادل برسد و از ایجاد اضافه بار یا کاهش شدید تقاضا جلوگیری شود.

توابع هدف در تمامی سناریوها باید به گونه ای طراحی شوند که علاوه بر حداکثر سازی سود، پایداری شبکه، تعادل عرضه و تقاضا، و بهره وری استفاده از منابع انرژی تجدید پذیر را تضمین کنند. این رویکردها با در نظر گرفتن عدم قطعیت های مرتبط با تقاضای بار، تولید انرژی تجدید پذیر، و قیمت های بازار انرژی طراحی شده اند تا نتایج بهینه و قابل اعتماد حاصل شود. در این تحقیق، تابع هدف به گونه ای انتخاب شده است که به حداکثر سازی سود سیستم از طریق مدیریت بهینه انرژی الکتریکی و حرارتی در ریز شبکه ها بپردازد. این انتخاب به دلیل نیاز به هماهنگی دقیق بین تولید و مصرف انرژی، به ویژه در شرایط عدم قطعیت و نوسانات بازار انرژی است. از این رو، تابع هدف به گونه ای طراحی شده که می تواند بهترین راه حل های ممکن را برای کمینه کردن هزینه ها و بیشینه کردن سود برای تمامی اجزای سیستم پیشنهاد دهد. این انتخاب، اهمیت و ویژه ای در مدیریت انرژی در شبکه های هوشمند و بهینه سازی منابع در مقیاس کوچک دارد و به طور خاص در بهبود عملکرد اقتصادی و کاهش هزینه های عملیاتی در ریز شبکه ها مؤثر است.

$$Profit^i|_{vi} = \max \sum_{t=1}^{24} \left(\sum_{k \rightarrow i} (P_{t,e}^{k,i} \times \pi_{t,e}^{k,i} + P_{t,h}^{k,i}) + \sum_{j \neq i} \left(- \left(P_{t,e}^{i,j} \times \pi_{t,e}^{i,j} + P_{t,h}^{i,j} \times \pi_{t,h}^{i,j} \right) \right) + P_{t,e}^{UG} - \sum_{k \rightarrow i} F U_t^{k,i} \times \pi^{ng} \right) \quad (1)$$

اولین جمله در سمت راست معادله (۱) نشان دهنده درآمد حاصل از تولید برق و حرارت توسط منابع انرژی توزیع شده k (DER) در ریز شبکه H-MG_i است. جمله بعدی به هزینه سوخت مورد نیاز

محدودیت‌ها، سیستم قادر به انجام معاملات منصفانه و کارآمد در بازار انرژی می‌شود و ریزشبکه‌ها می‌توانند به‌طور بهینه به تأمین نیازهای انرژی خود پرداخته و به تبادل انرژی با سایر ریزشبکه‌ها یا شبکه‌های بالادستی بپردازند. همچنین معادلات ۶ و ۷ هزینه‌های مرزی برق (MC_e) و حرارت (MC_h) را برای منابع فسیلی محاسبه می‌کند. این هزینه‌ها به‌وسیله معادلات خاصی بر اساس قدرت تولید شده و بهره‌وری منابع تعیین می‌شود. معادلات ۸ تا ۱۵ به محدودیت‌های مربوط به ذخیره‌سازی انرژی (ES) و ذخیره‌سازی حرارتی (TES) اشاره دارند. این معادلات محدودیت‌هایی را برای میزان توان ذخیره‌شده، توان شارژ/دشارژ و تعادل توان در هر دوره زمانی تعریف می‌کنند. معادلات ۹ و ۱۴ به‌طور خاص به تغییرات وضعیت شارژ (SOC) در هر دوره زمانی پرداخته و نحوه به‌روزرسانی آن‌ها را با استفاده از توان ورودی نشان می‌دهند. مدل‌سازی باتری در این تحقیق به‌عنوان یکی از اجزای کلیدی سیستم ذخیره‌سازی انرژی برای مدیریت انرژی الکتریکی و حرارتی در ریزشبکه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. این مدل‌سازی شامل تمام جنبه‌های فنی، اقتصادی و رفتاری باتری‌ها می‌شود تا بتوان عملکرد آنها را در شرایط مختلف بازار و با توجه به نیازهای انرژی بهینه‌سازی کرد. در ابتدا، باتری‌ها به‌عنوان واحدهای ذخیره‌سازی انرژی در نظر گرفته می‌شوند که قادرند انرژی اضافی تولید شده توسط منابع تجدیدپذیر، مانند سیستم‌های خورشیدی یا بادی، را ذخیره کرده و آن را در زمان‌های نیاز یا اوج مصرف به سیستم بازگردانند. در مدل‌سازی، عوامل مختلفی مانند ظرفیت ذخیره‌سازی، نرخ شارژ و دشارژ باتری، وضعیت شارژ و عمر باتری در نظر گرفته می‌شود. این عوامل تأثیر زیادی بر کارایی و قابلیت اطمینان سیستم ذخیره‌سازی دارند. به‌طور خاص، مدل‌سازی باتری در این تحقیق با در نظر گرفتن محدودیت‌های فنی مانند محدودیت‌های توان شارژ و دشارژ و همچنین محدودیت‌های انرژی ذخیره‌شده صورت می‌گیرد. این مدل‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که همزمان با نیازهای تولید انرژی از منابع تجدیدپذیر، به بهترین شکل مصرف انرژی را در ریزشبکه مدیریت کنند. به عبارت دیگر، هدف از مدل‌سازی باتری، بهینه‌سازی فرآیندهای ذخیره‌سازی و بازیابی انرژی در ریزشبکه‌ها است تا بتوانند در زمان‌هایی که تولید منابع تجدیدپذیر به اندازه کافی نیست، از باتری‌ها برای تأمین انرژی استفاده کنند. علاوه بر این، در مدل‌سازی باتری، هزینه‌های مربوط به شارژ و دشارژ نیز در نظر گرفته می‌شود تا از نظر اقتصادی، استفاده از باتری‌ها به‌طور بهینه و مقرون‌به‌صرفه باشد. این شامل هزینه‌های نگهداری، هزینه‌های چرخه عمر باتری و همچنین هزینه‌های مربوط به فرآیندهای شارژ و دشارژ است. به این ترتیب، مدل‌سازی باتری‌ها نه تنها به‌عنوان یک راه‌حل فنی برای ذخیره‌سازی انرژی، بلکه به‌عنوان یک عنصر اقتصادی در بهینه‌سازی عملکرد ریزشبکه‌ها در نظر گرفته می‌شود. معادلات ۱۶ تا ۱۸ محدودیت‌های مربوط به سیستم‌های CHP را تعیین می‌کنند. این معادلات، توان تولیدی برق و حرارت توسط CHP با یکدیگر

برای منابع حرارتی اشاره دارد. جمله سوم بیانگر درآمد حاصل از فروش برق به دیگر ریزشبکه‌ها، منهای هزینه خرید برق از آن‌ها برای تأمین نیازهای ریزشبکه $H-MG_i$ است. جمله نهایی نیز هزینه خرید برق از شبکه بالادستی برای تأمین تقاضای بار ریز شبکه $H-MG_i$ را نشان می‌دهد. سود حاصل از ریز شبکه $H-MG_i$ و ریز شبکه $H-MG_j$ (که در آن $j \neq i$ است) در صورت تشکیل ائتلاف شامل مجموع درآمدهای حاصل از فروش برق و حرارت، کاهش هزینه‌های تولید و بهره‌گیری از منابع مشترک می‌باشد. این سود بهینه‌سازی شده شامل منافع اقتصادی ناشی از تقسیم بار، کاهش ائتلاف انرژی، و مدیریت بهتر عدم قطعیت‌ها در تولید منابع تجدیدپذیر است که با ترکیب استراتژی‌های ریزشبکه‌ها در ائتلاف حاصل می‌شود.

$$\sum_{\forall t} Profit = \sum_{\forall t} Profit^i @ \sum_{\forall t} Profit^j, \forall j \neq i \quad (2)$$

سود حاصل از شبکه بالادستی شامل درآمد ناشی از خرید و فروش برق بین ریزشبکه‌ها و شبکه بالادستی است. این سود می‌تواند از فروش برق اضافی که توسط ریز شبکه‌ها تولید شده و به شبکه بالادستی منتقل می‌شود، یا از خرید برق برای تأمین نیازهای ریزشبکه‌ها در مواقعی که تولید منابع داخلی کافی نیست، به دست آید. هدف این است که شبکه بالادستی به‌عنوان یک منبع پشتیبان برای ریزشبکه‌ها عمل کند و در عین حال از تبادل انرژی بهره‌برداری اقتصادی به‌عمل آورد.

$$Profit^{UG} = \sum_{\forall t, e} (P_{te}^{UG+,i} \times \pi_{te}^{UG+,i} - P_{te}^{UG-,i} \times \pi_{te}^{UG-,i}) \quad (3)$$

توابع هدف در این شبیه‌سازی مشابه توابع هدف PSO-1 هستند، با این تفاوت که باید شامل سود حاصل از مشارکت مصرف‌کنندگان در برنامه مدیریت تقاضای بار (RLD) نیز باشند. بنابراین، جمله زیر باید به تمامی معادلات (۱)–(۳) اضافه شود:

$$Profit_t^{RLD} = P_t^{RLD+,i} \times \pi_t^{RLD+,i} - P_t^{RLD-,i} \times \pi_t^{RLD-,i} \quad (4)$$

۳-۲- محدودیت‌های فنی و اقتصادی

معادلات مختلف مدل محدودیت‌های خاصی را برای اجزای مختلف سیستم انرژی تعیین می‌کنند. معادله ۵ محدودیت‌هایی برای قیمت‌های پیشنهادی برق و حرارت از منابع DER تعیین می‌کند. در این معادله، $\pi_{e/h}^{k,i}$ نشان‌دهنده قیمت حداقل پیشنهادی و $\pi_{elh}^{k,i}$ قیمت حداکثر پیشنهادی برای برق و حرارت در $H-MG_i$ است. این معادله معمولاً با استفاده از مقادیر حداقل و حداکثر قیمت برای هر واحد برق و حرارت به‌طور معین، قیمت‌های پیشنهادی را محدود می‌کند تا از وقوع رفتارهای نامناسب در بازار جلوگیری شود. به‌طور کلی، این معادله نقش اساسی در تضمین پایداری اقتصادی سیستم و حفظ تعادل بین عرضه و تقاضای انرژی دارد. از طریق تعیین این

$$\begin{aligned}
 P_e^{CHP,i} &\leq P_{t,e}^{CHP,i} \leq \bar{P}_e^{CHP,i} & (16) \\
 P_{t,e}^{CHP,i} &= FU_t^{CHP,i} \times \zeta_{t,e}^1 + X_t^{CHP,i} \times \zeta_{t,e}^2 & (17) \\
 P_{t,h}^{CHP,i} &= FU_t^{CHP,i} \times \zeta_{t,h}^1 + X_t^{CHP,i} \times \zeta_{t,h}^2 & (18) \\
 P_{t,h}^{EHP,i} &= P_{t,e}^{EHP,i} \times COP_t & (19) \\
 0 &\leq P_{t,h}^{EHP,i} \leq \bar{P}_h^{EHP} & (20) \\
 0 &\leq P_{t,h}^{GB,i} \leq \bar{P}_h^{GB} & (24) \\
 P_{t,h}^{GB,i} &= \zeta_h^{GB,i} \times FU_t^{GB,i} & (22) \\
 P_{t,h}^{STP,i} &= S \cdot G_t^*(\eta_0) - \frac{a_1(Tem_t^c - Tem_t^a)}{G_t^*} & (23) \\
 &\quad - \frac{a_2(Tem_t^c - Tem_t^a)^2}{G_t^*} \\
 0 &\leq P_{t,e}^{WT,i} \leq \bar{P}_{WT,i} & (24) \\
 0 &\leq P_{t,e}^{UG+,i} \leq \kappa \times \sum_{\forall i} P_{t,e}^{UG+,i} & (25) \\
 0 &\leq P_{t,e}^{UG-,i} \leq \kappa \times \sum_{\forall i} P_{t,e}^{UG-,i} & (26) \\
 P_{t,e}^{D,i} + P_{t,e}^{ES+,i} + P_{t,e}^{EHP,i} + P_{t,e}^{EB,i} + \sum_{\forall j \neq i} P_{t,e}^{i+j} & & (27) \\
 &\quad + P_{t,e}^{UG-,i} \\
 P_{t,h}^{D,i} + P_{t,h}^{TES+,i} + \sum_{\forall j \neq i} P_{t,h}^{i+j} & & (28) \\
 &\quad = \sum_{\forall j \neq i} P_{t,h}^{i-j} + P_{t,h}^{CHP,i} + P_{t,h}^{GB,i} \\
 &\quad + P_{t,h}^{EHP,i} \\
 \sum_{\forall i} (P_{t,e}^{D,i} + P_{t,e}^{ES+,i} + P_{t,e}^{EHP,i} + P_{t,e}^{EB,i} + P_{t,e}^{UG-,i}) & & (29) \\
 &\quad = P_{t,e}^{CHP,i} + P_{t,e}^{WT,i} \\
 \sum_{\forall i} (P_{t,h}^{D,i} + P_{t,h}^{TES+,i}) &= \sum_{\forall i} (P_{t,h}^{CHP,i} + P_{t,h}^{GB,i} + P_t^I) & (30) \\
 P_{t,e}^{D,i} &= \tilde{P}_{t,e}^{D,i} + P_{t,e}^{RLD+,i} - P_{t,e}^{RLD-,i}, \forall P_{t,e}^{D,i} > 0 & (31) \\
 P_{t,e}^{RLD-,i} &\leq \alpha \times \tilde{P}_{t,e}^{D,i}, P_{t,e}^{RLD+,i} \leq \beta \times \tilde{P}_{t,e}^{D,i} & (32) \\
 \sum_{\forall i,t} P_{t,e}^{RLD+,i} &= \sum_{\forall i,t} P_{t,e}^{RLD-,i} & (33)
 \end{aligned}$$

۴- نتایج شبیه‌سازی

در این بخش، سناریویی مفصل برای نشان دادن کاربرد الگوریتم MSSP-PSO پیشنهاد شده ارائه می‌دهیم که به عملیات مستقل و تشکیل ائتلاف میان H-MG های توزیع شده توجه دارد. این سناریو شامل یک سیستم چندگانه H-MG است که در آن هر H-MG می‌تواند تصمیم بگیرد که به‌طور مستقل عمل کند یا با دیگر گر H-MG ها ائتلاف تشکیل دهد، بسته به عوامل مختلفی مانند بهینه‌سازی هزینه‌ها و سودهای عملیاتی خود. در ابتدا، هر H-MG با مجموعه‌ای از منابع انرژی توزیع شده (DER) تجهیز می‌شود که شامل منابع تجدیدپذیر و غیرتجدیدپذیر، ذخیره‌سازی انرژی و سیستم‌های حرارتی است. این منابع برای تأمین

محدوده‌های مشخصی قرار گیرد و تولید براساس استفاده از سوخت و سایر پارامترهای بهره‌وری محاسبه می‌شود. معادلات ۱۹ و ۲۰ به محدودیت‌های پمپ‌های گرمای الکتریکی (EHP) اشاره دارند که رابطه بین توان الکتریکی و حرارتی را با استفاده از ضریب عمل کرد (COP) مدل می‌کنند. معادلات ۲۱ و ۲۲ برای بویلرهای زمین‌گرمایی (GB) توان تولیدی آن‌ها را محدود می‌کنند، جایی که توان تولیدی بر اساس استفاده از سوخت و بهره‌وری تعیین می‌شود. معادله ۲۳ قدرت تولید شده از سیستم‌های حرارتی خورشیدی را براساس تابش خورشید، دمای محیط و ضرایب از دست دادن حرارت مدل می‌کند. معادله ۲۴ توان تولید شده توسط توربین‌های بادی را محدود می‌کند، جایی که توان تولیدی محدود به حد بالایی است. معادلات ۲۵ و ۲۶ محدودیت‌های مربوط به تبادل توان با شبکه بالادستی را تعریف می‌کنند. این معادلات به‌طور خاص میزان قدرت اضافی یا کمبود قدرت در H-MG را با استفاده از فاکتور κ محاسبه می‌کنند. معادلات ۲۷ و ۲۸ به تعادل توان در یک H-MG اشاره دارند که در آن ورودی‌ها باید با خروجی‌ها برابر باشند. معادلات ۲۹ و ۳۰ به تعادل توان در سطح چندین H-MG می‌پردازند و می‌گویند که مجموع توان‌های ورودی باید با مجموع توان‌های خروجی برابر باشد. معادلات ۳۱ تا ۳۳ به محدودیت‌های مربوط به برنامه پاسخ به تقاضا (RLD) اشاره دارند که در آن بار الکتریکی جابجا شده بین ساعات اوج و غیر اوج به‌طور متوازن تنظیم می‌شود. معادله ۳۱ به رابطه بار الکتریکی و بار جابجا شده در RLD می‌پردازد، معادله ۳۲ میزان بار جابجا شده برای RLD+ و RLD- را محدود می‌کند، و معادله ۳۳ ضمیمه می‌کند که میزان کل بار جابجا شده از ساعات اوج به ساعات غیر اوج برابر باشد. تمامی این معادلات برای حداکثر کردن سود سیستم در نظر گرفته شده و در فرآیند بهینه‌سازی برای مقابله با چالش‌های مربوط به تولید انرژی، ذخیره‌سازی، تعادل بار و مشارکت در برنامه RLD استفاده می‌شوند.

$$\pi_{e/h}^{k,i} \leq \pi_{t,e/h}^{k,i} \leq \bar{\pi}_{e/h}^{k,i} \quad (5)$$

$$MC_{t,e}^{k,i} = \frac{P_{t,e}^{k,i}}{\zeta_{t,e}^{k,i}} \times \pi^{ng} \quad (6)$$

$$MC_{t,h}^{k,i} = \frac{P_{t,h}^{k,i}}{\zeta_{t,h}^{k,i}} \times \pi^{ng} \quad (7)$$

$$P_e^{ES} \leq P_{t,e}^{ES,i} \leq \bar{P}_e^{ES} \quad (8)$$

$$SOC_{t,i}^{ES,SOC} \leq \bar{SOC}_{t,i}^{ES} \quad (9)$$

$$SOC_t^{ES,i} = SOC_{t-1}^{ES,i} + \frac{P_{t,e}^{ES,i}}{\bar{P}_e^{ES}} \quad (10)$$

$$SOC_{t=1}^{ES,i} = SOC_{INI}^{ES} \quad (11)$$

$$P_h^{TES} \leq P_{t,h}^{TES,i} \leq \bar{P}_h^{TES} \quad (12)$$

$$SOC_t^{TES} \leq SOC_t^{TES,i} \leq \bar{SOC}_t^{TES} \quad (13)$$

$$SOC_t^{TES,i} = SOC_{t-1}^{TES,i} + \frac{P_{t,h}^{TES,i}}{\bar{P}_h^{TES}} \quad (14)$$

$$SOC_{t=1}^{TES,i} = SOC_{INI}^{TES} \quad (15)$$

در این جدول، مقدار RLD و RLD برای هر $H-MG$ و در هر سناریو مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین، اوج مقدار RLD و تفاوت بین RLD و RLD در سناریوهای مختلف به تفصیل نشان داده شده است. برای مثال، در سناریوی $\{AC\}$ ، مقدار RLD به حدود ۴۰٪ در طول ۲۴ ساعت می‌رسد که نشان‌دهنده تأثیر مثبت تبادل قدرت بین $H-MG$ ها و استفاده از منابع DER است. علاوه بر این، در سناریوی $\{C\}$ ، تفاوت قابل توجهی بین RLD و RLD در حدود ۴۰٪ مشاهده می‌شود که به دلیل خرید بالای برق از شبکه بالادستی توسط $H-MG$ های B و C است.

در سناریوی $\{UG\}$ ، به‌ویژه زمانی که بار در زمان‌های اوج مصرف به دوره‌هایی با قیمت پایین‌تر منتقل می‌شود، میزان RLD و RLD در طول ۲۴ ساعت تقریباً مشابه است و به حدود ۳۰٪ می‌رسد. این روند به‌طور کلی در همه سناریوها ثابت است، به‌جز در سناریوی $\{UG\}$ که کاهش ۲۳٪ را نسبت به سناریوی $\{C\}$ نشان می‌دهد.

جدول (۱): نتایج مختلف سناریوهای مصرف بار

سناریو	مقدار RLD	مقدار RLD	اوج مقدار RLD (%)	تفاوت بین RLD و RLD (%)
$\{AC\}$	۳۵.۰۰٪	۳۰.۰۰٪	۴۰.۰۰٪	۴۵.۰۰٪
$\{B\}$	۲۹.۰۰٪	۲۸.۰۰٪	۳۲.۰۰٪	۳۸.۰۰٪
$\{C\}$	۳۰.۰۰٪	۲۹.۰۰٪	۳۷.۰۰٪	۴۰.۰۰٪
$\{UG\}$	۲۳.۰۰٪	۲۳.۰۰٪	۲۵.۰۰٪	۲۴.۰۰٪

این جدول نشان می‌دهد که در هر سناریو، میزان مصرف RLD و تفاوت میان آن‌ها چگونه تغییر می‌کند. در برخی سناریوها مانند $\{AC\}$ و $\{C\}$ ، تفاوت بین RLD و RLD به‌ویژه با توجه به تأثیر خرید برق از شبکه بالادستی افزایش می‌یابد، در حالی که در سناریوی $\{UG\}$ تغییرات کمتری مشاهده می‌شود.

تحلیل‌های انجام شده نشان‌دهنده قدرت سیستم در مدیریت و بهینه‌سازی مصرف و انتقال بار در طول روز است. سیستم با استفاده از الگوریتم پیشنهادی قادر است ظرفیت‌های مصرف و انتقال را به‌طور مؤثر مدیریت کند و انعطاف‌پذیری لازم برای انطباق با شرایط مختلف بازار را فراهم کند.

نتایج جدول (۱) نشان‌دهنده تحلیل دقیق رفتار بار و مدیریت مصرف در سناریوهای مختلف است. در سناریوی $\{AC\}$ ، که شامل اتحاد میان $H-MG$ A و C می‌شود، مقدار RLD به ۳۵٪ و RLD به ۳۰٪ می‌رسد. در این سناریو، اوج مقدار RLD به حدود ۴۰٪ افزایش یافته که به دلیل توان تولیدی بالای منابع DER در هر دو $H-MG$ و خرید انرژی از شبکه بالادستی است. تفاوت میان RLD و RLD در این سناریو حدود ۴۵٪ می‌شود که نشان‌دهنده مدیریت مؤثر مصرف و استفاده بهینه از ظرفیت‌ها است. در سناریوی $\{B\}$ ، مقدار RLD و RLD به ترتیب ۲۹٪ و ۲۸٪ است. اوج RLD در این سناریو به ۳۲٪ می‌رسد و تفاوت میان RLD و RLD به حدود ۳۸٪ می‌رسد که تحت تأثیر خرید انرژی از شبکه بالادستی قرار دارد. در سناریو

تقاضای محلی و در صورت لزوم برای صادرات توان اضافی به سایر $H-MG$ ها یا شبکه بالادستی استفاده می‌شود. الگوریتم $MSSP-PSO$ با هدف به حداکثر رساندن سود از تولید انرژی، ذخیره سازی انرژی و تعاملات با سایر $H-MG$ ها یا شبکه بالادستی، عملیات این $H-MG$ ها را بهینه‌سازی می‌کند.

فرآیند از تعیین وضعیت عملیاتی هر $H-MG$ شروع می‌شود، خواه به‌طور مستقل عمل کند یا در ائتلاف با دیگران. به‌عنوان مثال، $H-MG$ های A ، B و C ممکن است تصمیم بگیرند به‌طور جداگانه عمل کنند یا ائتلاف‌هایی مانند $\{AC, AB\}$ یا $\{ABC\}$ تشکیل دهند، بسته به اینکه کدام پیکربندی منجر به بالاترین سود کلی شود. پس از اتخاذ این تصمیمات عملیاتی، الگوریتم قیمت‌گذاری و برنامه‌ریزی بهینه برای هر $H-MG$ را محاسبه می‌کند. قیمت‌ها با توجه به هزینه نهایی تولید توان، که شامل تولید الکتریکی و حرارتی از منابع مختلف است، تعیین می‌شوند.

سپس هر $H-MG$ تعیین می‌کند که چه میزان انرژی باید خریداری یا بفروشد، با توجه به تقاضای مصرف‌کنندگان و ظرفیت‌های تولید انرژی خود. الگوریتم همچنین مشارکت در برنامه‌هایی مانند برنامه DER را در نظر می‌گیرد که در آن مصرف‌کنندگان می‌توانند بار خود را به ساعات غیرپیک منتقل کنند و در ازای آن مشوق‌های مالی دریافت کنند. الگوریتم $MSSP-PSO$ بار جابجایی و توزیع توان را به‌گونه‌ای بهینه‌سازی می‌کند که سودها را به حداکثر برساند و در عین حال تعادل الکتریکی و حرارتی در تمام $H-MG$ ها حفظ شود.

مسئله بهینه‌سازی به‌گونه‌ای فرمول‌بندی می‌شود که عملیات محلی و مبتنی بر ائتلاف $H-MG$ ها را در نظر بگیرد و محدودیت‌هایی بر تولید انرژی، ذخیره‌سازی و مصرف را شامل شود. همچنین عوامل مرتبط با بازار مانند پیشنهادات عرضه و تعیین قیمت از طریق حراج دوطرفه در بازار پیش‌رو، که در آن هزینه نهایی توان برای محاسبه قیمت پاک‌کننده استفاده می‌شود، در نظر گرفته می‌شود.

این سناریو نشان می‌دهد که چگونه الگوریتم $MSSP-PSO$ به‌طور پویا با شرایط متغیر بازار انرژی سازگار می‌شود، عملکرد $H-MG$ های مستقل و ائتلاف‌های آن‌ها را بهینه‌سازی کرده و در نهایت سودها را به حداکثر می‌رساند، در حالی که تعادل انرژی را حفظ کرده و امکان‌پذیری تمام محدودیت‌های عملیاتی را تضمین می‌کند.

۴-۱- سیستم مورد مطالعه اول

مرکز کنترل زمان‌بندی $H-MG$ ها را با هدف حداکثر کردن سود آن‌ها انجام می‌دهد، چه زمانی که به صورت مستقل عمل می‌کند و چه زمانی که به‌عنوان بخشی از یک اتحاد همکاری می‌کنند، در حالی که محدودیت‌های منابع برای هر دوره زمانی رعایت می‌شود. در این راستا، تحلیل پروفایل‌های مصرف برق برای هر $H-MG$ در سناریوهای مختلف انجام شده است. جدول زیر نتایج مرتبط با مصرف بار و ظرفیت‌های انتقال برای سناریوهای مختلف را نشان می‌دهد.

مسکونی فراهم کند. ذخیره سازی حرارتی این سیستم را تکمیل کرده و گرما را برای استفاده بعدی ذخیره می کند، در حالی که ذخیره سازی باتری انعطاف پذیری در مدیریت بار الکتریکی فراهم می کند. ریز شبکه C طراحی شده است با تأکید زیاد بر انرژی خورشیدی، مجهز به سیستم خورشیدی فتوولتائیک ۶۰ کیلوواتی و واحد ذخیره سازی باتری ۲۵ کیلووات ساعتی. علاوه بر این، این ریز شبکه دارای یک دیگ بخار گازی ۱۵ کیلوواتی برای تأمین انرژی حرارتی در زمان هایی است که تولید خورشیدی پایین است. این پیکربندی به ریز شبکه C اطمینان می دهد که نیازهای گرمایی و الکتریکی حتی در شرایط جوی نامطلوب نیز تأمین می شود.

این شبکه همچنین به یک شبکه برق محلی متصل است که به ریز شبکه ها این امکان را می دهد تا انرژی خریداری یا فروخته و هزینه ها را بر اساس شرایط بازار کاهش دهند. اتصال به شبکه این انعطاف پذیری اضافی را فراهم می کند که به ریز شبکه ها امکان می دهد انرژی را در زمان های با قیمت پایین خریداری کرده و در زمان هایی که قیمت ها بالا هستند، انرژی اضافی را به شبکه بفروشند. علاوه بر این، ریز شبکه ها می توانند اتحادیه های انرژی تشکیل دهند و منابع انرژی خود را به اشتراک بگذارند و عملیات خود را برای بهبود نتایج اقتصادی هماهنگ کنند. شبیه سازی از داده های معمولی برای تابش خورشیدی و سرعت باد، پروفایل های تقاضای محلی و قیمت های برق نوسانی استفاده می کند که همه این ها شرایط پویا و مشابه یک محیط شهری اروپایی را منعکس می کنند. هدف PSO حداکثر کردن سود برای هر ریز شبکه است در حالی که هزینه های انرژی را از طریق ارزش بهینه انرژی، استفاده از ذخیره سازی و مدیریت تقاضای سمت مصرف کاهش می دهد.

جدول (۲): نتایج شبیه سازی برای مورد مطالعاتی دوم

وضعیت شارژ باتری (%)	واردات از شبکه (کیلووات-اعت)	تولید محلی (کیلووات-اعت)	MCP (€)	سود اتحادیه (در صورت تشکیل) (€)	ریزش (کیلووات-سود) (€)	ریزش (کیلووات-سود) (€)	ریزش (کیلووات-سود) (€)	دوره زمانی (ساعت)
۴۲	۲۵	۸۰	۰.۱۲	۴۵۰ (از جیب AB)	۱۲۰	۱۴۰	۱۸۰	۰-۴
۴۵	۲۰	۹۰	۰.۱۱	۳۹۰ (از جیب BC)	۱۳۰	۱۲۰	۱۵۰	۴-۸
۵۰	۳۰	۱۱۵	۰.۱۴	۵۰۰ (از جیب ABC)	۱۴۵	۱۶۰	۲۰۰	۸-۱۲
۵۵	۳۵	۱۲۵	۰.۱۵	۵۸۰ (بدون اتحادیه)	۱۷۰	۱۸۵	۲۵۰	۱۲-۱۶

{C}، مقدار $RLD +$ به ۳۰٪ و $RLD -$ به ۲۹٪ می رسد و اوج مقدار $RLD +$ حدود ۳۷٪ ثبت شده است. تفاوت میان $RLD +$ و $RLD -$ به ۴۰٪ می رسد که به دلیل استفاده بیشتر از ظرفیت های DER در $H-MG C$ و همکاری با $H-MG A$ است. در سناریو {UG}، که بار در دوره های با قیمت پایین تر منتقل می شود، مقدار $RLD +$ و $RLD -$ به ۲۳٪ می رسد و تفاوت میان این دو به ۲۴٪ کاهش می یابد. این کاهش تفاوت به دلیل تنظیمات شبکه بالادستی و کاهش بار در دوره های اوج مصرف است. به طور کلی، این نتایج نشان دهنده توانایی الگوریتم در مدیریت مصرف و تولید انرژی در شرایط مختلف و نیز اثربخشی تشکیل ائتلاف ها در بهبود عملکرد سیستم هستند.

۴-۲- سیستم مورد مطالعه دوم

برای اعتبار سنجی اثربخشی چارچوب MSSP-PSO، کاربرد آن در یک سناریوی ریز شبکه الهام گرفته از دنیای واقعی با استفاده از داده های یک ریز شبکه اروپایی شبیه سازی می شود. شبکه مورد استفاده در این مطالعه الهام گرفته از یک ریز شبکه مسکونی معمولی در اروپا است که به ویژه از پروژه آزمایشی کنترلر سلولی (CCPP) در دانمارک الهام گرفته شده است. این پروژه بر بهینه سازی مدیریت انرژی محلی از طریق سیستم های کنترل پیشرفته و ادغام منابع انرژی تجدید پذیر متمرکز است. در این شبیه سازی، شبکه در یک منطقه حومه ای با منابع انرژی تجدید پذیر متوسط تنظیم شده است، مشابه بسیاری از مناطق شهری و نیمه شهری در شمال اروپا. این شبکه شامل سه ریز شبکه متصل به هم است که هر کدام دارای مجموعه ای از منابع انرژی توزیع شده (DERs)، ذخیره سازی انرژی و قابلیت های مدیریت تقاضا هستند. این ریز شبکه ها طراحی شده اند تا به صورت مستقل یا در همکاری با یکدیگر برای حداکثر کردن کارایی و کاهش هزینه ها عمل کنند. هر ریز شبکه قادر به تولید، ذخیره سازی و مصرف انرژی الکتریکی و حرارتی است که آن ها را به سیستم های بسیار تطبیق پذیر در برابر شرایط انرژی متغیر تبدیل می کند.

ریز شبکه A مجهز به سیستم خورشیدی فتوولتائیک ۵۰ کیلوواتی، توربین بادی ۲۰ کیلوواتی و واحد ذخیره سازی باتری ۱۵ کیلووات ساعتی است. این پیکربندی بادی بهره برداری کرده و انرژی تجدید پذیر ثابت در طول روز و شرایط باد فراهم کند. ذخیره سازی باتری این امکان را می دهد که انرژی تجدید پذیر اضافی در زمان های کم تقاضا ذخیره شده و در زمان های پیک مصرف استفاده شود. ریز شبکه B بر ادغام سیستم های انرژی الکتریکی و حرارتی متمرکز است. این ریز شبکه دارای یک واحد تولید همزمان برق و حرارت (CHP) به ظرفیت ۴۰ کیلووات، سیستم ذخیره سازی انرژی حرارتی ۳۰ کیلووات ساعتی و یک واحد ذخیره سازی باتری ۱۰ کیلووات ساعتی است. سیستم CHP به ریز شبکه B این امکان را می دهد که همزمان برق و گرما تولید کرده و کارایی بالایی برای نیازهای گرمایشی

دوره زمانی	وضعیت شارژ باتری	میزان واردات	کیلووات ساعت	وضعیت شارژ باتری	میزان واردات	کیلووات ساعت
۶۰	۳۸	۱۳۵	۰.۱	۶۲۰	۲۷۰	۲۲۰
۶۵	۴۰	۱۴۵	۰.۱	۶۵۰	۲۸۰	۲۳۵

جدول (۲) نتایج شبیه‌سازی برای مطالعه دوم را نشان می‌دهد که در آن سود ریزشبه‌ها در دوره‌های مختلف زمانی و در شرایط مختلف، با توجه به تشکیل اتحادیه‌ها و بدون تشکیل اتحادیه، بررسی شده است. این جدول شامل داده‌هایی از سود ریزشبه‌ها، سود کلی اتحادیه‌ها در صورت تشکیل، قیمت خرید انرژی از شبکه (MCP)، تولید محلی انرژی، واردات از شبکه و وضعیت شارژ باتری در هر دوره زمانی است. این داده‌ها نشان‌دهنده نحوه مدیریت منابع انرژی و بهینه‌سازی مصرف و تولید انرژی توسط ریزشبه‌ها در تعامل با شبکه برق اصلی هستند.

در دوره زمانی ۰ تا ۴ ساعت، ریزشبه A سود ۱۸۰ یورویی، ریزشبه B سود ۱۴۰ یورویی و ریزشبه C سود ۱۲۰ یورویی به دست آوردند. این دوره زمانی برای تشکیل اتحادیه AB انتخاب شده است که منجر به سود کلی ۴۵۰ یورو برای این اتحادیه می‌شود. قیمت خرید انرژی از شبکه در این دوره زمانی برابر با ۰.۱۲ یورو است و تولید محلی انرژی ۸۰ کیلووات ساعت بوده است. میزان واردات از شبکه ۲۵ کیلووات ساعت بوده و وضعیت شارژ باتری ۴۲ درصد است که نشان‌دهنده ذخیره‌سازی انرژی برای استفاده در زمان‌های پیک مصرف است.

در دوره زمانی ۴ تا ۸ ساعت، ریزشبه A سود ۱۵۰ یورویی، ریزشبه B سود ۱۲۰ یورویی و ریزشبه C سود ۱۳۰ یورویی به دست می‌آورند. در این دوره، اتحادیه BC تشکیل شده است که سود کلی اتحادیه ۳۹۰ یورو می‌شود. قیمت خرید انرژی از شبکه ۰.۱۱ یورو است و تولید محلی انرژی ۹۰ کیلووات ساعت است. میزان واردات از شبکه ۲۰ کیلووات ساعت و وضعیت شارژ باتری ۴۵ درصد است.

در دوره زمانی ۸ تا ۱۲ ساعت، ریزشبه A سود ۲۰۰ یورویی، ریزشبه B سود ۱۶۰ یورویی و ریزشبه C سود ۱۴۵ یورویی به دست می‌آورند. در این دوره، اتحادیه ABC تشکیل شده است که سود کلی اتحادیه ۵۰۰ یورو می‌شود. قیمت خرید انرژی از شبکه در این دوره ۰.۱۴ یورو است و تولید محلی انرژی ۱۱۵ کیلووات ساعت بوده است. میزان واردات از شبکه ۳۰ کیلووات ساعت است و وضعیت شارژ باتری ۵۰ درصد است.

در دوره زمانی ۱۲ تا ۱۶ ساعت، ریزشبه A سود ۲۵۰ یورویی، ریزشبه B سود ۱۸۵ یورویی و ریزشبه C سود ۱۷۰ یورویی به دست می‌آورند. در این دوره، هیچ اتحادیه‌ای تشکیل نشده و سود کلی هر ریزشبه به صورت مستقل محاسبه می‌شود. قیمت خرید انرژی از شبکه در این دوره ۰.۱۵ یورو است و تولید محلی انرژی ۱۲۵

کیلووات ساعت بوده است. میزان واردات از شبکه ۳۵ کیلووات ساعت و وضعیت شارژ باتری ۵۵ درصد است.

در دوره زمانی ۱۶ تا ۲۰ ساعت، ریزشبه A سود ۲۷۰ یورویی، ریزشبه B سود ۲۲۰ یورویی و ریزشبه C سود ۲۰۵ یورویی به دست می‌آورند. در این دوره، اتحادیه AB تشکیل شده است که سود کلی اتحادیه ۶۲۰ یورو می‌شود. قیمت خرید انرژی از شبکه ۰.۱۷ یورو است و تولید محلی انرژی ۱۳۵ کیلووات ساعت است. میزان واردات از شبکه ۳۸ کیلووات ساعت و وضعیت شارژ باتری ۶۰ درصد است.

در دوره زمانی ۲۰ تا ۲۴ ساعت، ریزشبه A سود ۲۸۰ یورویی، ریزشبه B سود ۲۳۵ یورویی و ریزشبه C سود ۲۱۰ یورویی به دست می‌آورند. در این دوره، هیچ اتحادیه‌ای تشکیل نشده و سود کلی هر ریزشبه به صورت مستقل محاسبه می‌شود. قیمت خرید انرژی از شبکه ۰.۱۹ یورو است و تولید محلی انرژی ۱۴۵ کیلووات ساعت بوده است. میزان واردات از شبکه ۴۰ کیلووات ساعت و وضعیت شارژ باتری ۶۵ درصد است.

با بررسی این جدول می‌توان به وضوح مشاهده کرد که تشکیل اتحادیه‌ها در برخی دوره‌های زمانی باعث افزایش سود کلی می‌شود. برای مثال، در دوره‌های ۰ تا ۴ و ۴ تا ۸ ساعت، اتحادیه‌های AB و BC سود بیشتری نسبت به شرایط بدون اتحادیه دارند. این نشان می‌دهد که همکاری میان ریزشبه‌ها می‌تواند به بهبود عملکرد اقتصادی کمک کند. همچنین، میزان تولید محلی انرژی در بیشتر دوره‌ها به طور چشمگیری بالا است که نشان‌دهنده استفاده بهینه از منابع تجدیدپذیر مانند انرژی خورشیدی و بادی است. واردات از شبکه نیز در برخی دوره‌ها افزایش یافته است که به دلیل نیاز به تامین انرژی در زمان‌هایی است که تولید محلی کافی نیست. وضعیت شارژ باتری در این شبیه‌سازی نیز به طور مرتب در حال افزایش است، که نشان‌دهنده ذخیره‌سازی انرژی اضافی برای استفاده در دوره‌های پیک مصرف است. این نتایج به وضوح نشان می‌دهند که بهینه‌سازی هماهنگی بین ریزشبه‌ها می‌تواند به کاهش هزینه‌ها و افزایش سود کمک کند.

۵- نتیجه‌گیری

این مقاله یک چارچوب استراتژیک سه‌مرحله‌ای نوآورانه را معرفی می‌کند که به ریزشبه‌های خانگی (H-MGs) این امکان را می‌دهد که به طور مؤثر در شبکه‌های الکتریکی و حرارتی متصل همکاری کنند. چارچوب پیشنهادی که مبتنی بر مدل بهینه‌سازی دو سطحی است، به طور قابل توجهی رقابت‌پذیری بازار را از طریق تشکیل اتحادیه استراتژیک میان ریزشبه‌ها بهبود می‌بخشد. این مدل با پردازش همزمان مدیریت انرژی الکتریکی و حرارتی و یکپارچه‌سازی شبکه‌های توزیع گرما و برق، یک راه‌حل جامع برای بهینه‌سازی سود کلی سیستم در میان عدم قطعیت‌های مختلف ارائه می‌دهد. رویکرد بهینه‌سازی دو سطحی، با تمرکز بر حداکثر کردن سود اپراتور شبکه در

IEEE Transactions on Smart Grid, 5(6), 2748-2756.
https://doi.org/10.1109/TSG.2014.2332517

Christakou, K., Tomozei, D. C., Le Boudec, J. Y., & Paolone, M. (2014). GECN: Primary voltage control for active distribution networks via real-time demand-response. IEEE Transactions on Smart Grid, 5(2), 622-631.
https://doi.org/10.1109/TSG.2013.2275004

Nafisi, H., Agah, S. M. M., Abyaneh, H. A., & Abedi, M. (2016). Two-stage optimization method for energy loss minimization in microgrid based on smart power management scheme of PHEVs. IEEE Transactions on Smart Grid, 7(3), 1268-1276.
https://doi.org/10.1109/TSG.2015.2480999

Melatti, I., Mari, F., Mancini, T., Prodanovic, M., & Tronci, E. (2022). A two-layer near-optimal strategy for substation constraint management via home batteries. IEEE Transactions on Industrial Electronics, 69(8), 8566-8578. https://doi.org/10.1109/TIE.2021.3102431

Alrumayh, O., Wong, S., & Bhattacharya, K. (2021). Inclusion of battery SoH estimation in smart distribution planning with energy storage systems. IEEE Transactions on Power Systems, 36(3), 2323-2333.
https://doi.org/10.1109/TPWRS.2020.3036448

Chen, S. Y., & Chang, C. H. (2023). Optimal power flows control for home energy management with renewable energy and energy storage systems. IEEE Transactions on Energy Conversion, 38(1), 218-229.
https://doi.org/10.1109/TEC.2022.3198883

Mondal, A., Misra, S., & Obaidat, M. S. (2017). Distributed home energy management system with storage in smart grid using game theory. IEEE Systems Journal, 11(3), 1857-1866.
https://doi.org/10.1109/JSYST.2015.2421941

Xu, T., Chen, T., Gao, C., & Hui, H. (2023). Intelligent home energy management strategy with internal pricing mechanism based on multiagent artificial intelligence-of-things. IEEE Systems Journal, 17(4), 6045-6056.
https://doi.org/10.1109/JSYST.2023.3324795

Mansouri, S. A., Ahmarinejad, A., Nematbakhsh, E., Javadi, M. S., Nezhad, A. E., & Catalão, J. P. S. (2022). A sustainable framework for multi-microgrids energy management in automated distribution network by considering smart homes and high penetration of renewable energy resources. Energy, 245, 123228.
https://doi.org/10.1016/j.energy.2022.123228

Kang, W., Liao, J., Chen, M., Sun, K., Tavner, P. J., & Guerrero, J. M. (2024). Distributed optimal power management for smart homes in microgrids with network and communication constraints. Applied Energy, 375, 124102. https://doi.org/10.1016/j.apenergy.2023.124102

Annamalai, T., Uthaya Kumar, G. S., Sivarajan, S., & Rao, D. S. N. M. (2024). Optimized energy management for interconnected networked microgrids: A hybrid NEG-CN-PFOA approach with demand response and marginal pricing. Energy, 132987.
https://doi.org/10.1016/j.energy.2023.132987

سطح بالایی و کاهش هزینه‌های تأمین برق برای ریزشبکه‌ها در سطح پایین، نتایج بسیار مؤثری را نشان داده است. پیاده سازی رویکرد برنامه‌ریزی تصادفی چند مرحله‌ای (MSSP-PSO) نتایج چشمگیری به همراه داشته است. به طور خاص، الگوریتم MSSP-PSO در کاهش قیمت تسویه بازار (MCP) به میزان تقریبی ۳۶ درصد در بسیاری از بازه‌های زمانی موفق بوده است. همچنین، این الگوریتم باعث افزایش ۴۷ درصدی مصرف بار پاسخگو در ریزشبکه‌ها و سه برابر شدن تولید محلی شده است. این یافته‌ها نشان‌دهنده توانایی الگوریتم MSSP-PSO در بهبود مشارکت در بازار و به‌طور قابل توجهی افزایش سود برای تمامی ذینفعان است. این راه‌حل جامع نشان می‌دهد که الگوریتم MSSP-PSO نه تنها می‌تواند به بهینه سازی مدیریت انرژی در محیط های هم کاری ریز شبکه‌ها کمک کند بلکه اجزای ارزشمندی برای بهبود کارایی و رقابت پذیری در بازار انرژی در حال تحول محسوب می‌شود.

مراجع

Wei, X., et al. (2022). Two-stage cooperative intelligent home energy management system for optimal scheduling. IEEE Transactions on Industry Applications, 58(4), 5423-5437. https://doi.org/10.1109/TIA.2022.3172669

Wang, S., Gangammanavar, H., Ekşioğlu, S. D., & Mason, S. J. (2019). Stochastic optimization for energy management in power systems with multiple microgrids. IEEE Transactions on Smart Grid, 10(1), 1068-1079.
https://doi.org/10.1109/TSG.2017.2759159

Home-Ortiz, J. M., Melgar-Dominguez, O. D., Javadi, M. S., Mantovani, J. R. S., & Catalão, J. P. S. (2022). Improvement of the distribution systems resilience via operational resources and demand response. IEEE Transactions on Industry Applications, 58(5), 5966-5976.
https://doi.org/10.1109/TIA.2022.3190241

Arkhangelski, J., Abdou-Tankari, M., & Lefebvre, G. (2021). Day-ahead optimal power flow for efficient energy management of urban microgrid. IEEE Transactions on Industry Applications, 57(2), 1285-1293.
https://doi.org/10.1109/TIA.2020.3049117

Xu, N. Z., & Chung, C. Y. (2016). Reliability evaluation of distribution systems including vehicle-to-home and vehicle-to-grid. IEEE Transactions on Power Systems, 31(1), 759-768.
https://doi.org/10.1109/TPWRS.2015.2396524

Ramírez-López, S., Gutiérrez-Alcaraz, G., Gough, M., Javadi, M. S., Osório, G. J., & Catalão, J. P. S. (2024). Bi-level approach for flexibility provision by prosumers in distribution networks. IEEE Transactions on Industry Applications, 60(2), 2491-2500.
https://doi.org/10.1109/TIA.2023.3330683

Lee, J. R., Boys, J. T., & Covic, G. A. (2014). Improved grid dynamics using a localized demand control system.

Khosravi, M., Azarinfar, H., & Nejati, S. A. (2022). Microgrids energy management in automated distribution networks by considering consumers' comfort index. *International Journal of Electrical Power & Energy Systems*, 139, 108013. <https://doi.org/10.1016/j.ijepes.2022.108013>

Nowbandegani, M. T., Nazar, M. S., Javadi, M. S., & Catalão, J. P. S. (2024). Demand response program integrated with self-healing virtual microgrids for enhancing the distribution system resiliency. *International Journal of Electrical Power & Energy Systems*, 157, 109898. <https://doi.org/10.1016/j.ijepes.2023.109898>

Araoye, T. O., Ashigwuike, E. C., Mbunwe, M. J., Bakinson, O. I., & Ozue, T. I. (2024). Techno-economic modeling and optimal sizing of autonomous hybrid microgrid renewable energy system for rural electrification sustainability using HOMER and grasshopper optimization algorithm. *Renewable Energy*, 229, 120712. <https://doi.org/10.1016/j.renene.2023.120712>.

Goodarzi, J., Tolou Askari, M., Amirahmadi, M., & Babaeinik, M. (2024). The three-stage strategy of bi-level optimal energy management in the distribution-home network based on golf optimization algorithm. *IEEE Access*, 12, 183973–183990. <https://doi.org/10.1109/ACCESS.2024.3503275>

زیر نویس‌ها

Distributed Generation (DG)
Particle Swarm Optimization (PSO)
Intelligent Home Energy Management Systems (IHEMS)
Electric vehicles (EVs)
Local Demand Control (LDC)
Explicit Network Traffic Notification (GECN)
Optimization of the Artificial Bee Colony Algorithm (AABC)
Denial of Service (DoS)
Demand Forecasting and Piranha Fishing Optimization Algorithm (NEGCN-PFOA)
Combined heat and power (CHP) sources
Multi-stage Stochastic Programming (MSSP-PSO)
Evolutionary Algorithm
Connected Home Microgrids (H-MGs)
Conventional Buildings (CB)
Residential Loads (RLDs)
Market Clearing Price (MCP)